

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
پایه‌سازی	تصحیح و ویرایش اولیه	ذکر مآخذ	ویرایش دوم	تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی

حضرت زهرا علیها السلام حقیقت سلام (۲)

کلمات کلیدی: حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام، سوره‌ی مبارکه‌ی قدر، حقیقت سلام، امیرالمؤمنین علیه السلام، طهارت، اسلام، قلب سلیم.

امام صادق علیه السلام در مورد سوره‌ی مبارکه‌ی قدر، [در تفسیر] **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ**، فرمودند: **الْأَلَيْلَةُ فَاطِمَةُ وَ الْقَدْرُ اللَّهُ فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ**^۱ در آیه‌ی نخستین سوره‌ی قدر، خدای متعال فرمود: هر آینه ما قرآن را در لیلۃ‌القدر نازل کردیم؛ مقصود از لیلۃ وجود مقدس صدیقه‌ی طاهره، فاطمه‌ی زهرا علیها السلام است و مقصود از **القدر**، **الله ذات مقدس حضرت حق**. بعد حضرت علیها السلام فرمودند: هر کس فاطمه علیها السلام را آن‌گونه که حق معرفت آن حضرت است، بشناسد، هر آینه لیلۃ‌القدر را درک کرده و حقیقت لیلۃ‌القدر را یافته است.

عزیزانی که در بحث‌های گذشته‌ی ما حضور داشتند، یا از طریق فایل‌های صوتی شنیدند، [مستحضرنند]. خدا توفیق داد در ماه رمضان سال‌های مختلف، در لیالی قدر در بحث لیلۃ‌القدر، نکات زیادی را به عرضتان رسانده‌ام؛ بنابراین این‌که حقیقت لیلۃ‌القدر در هستی چیست، آن حقیقت عظیم که اگر کسی به او راه پیدا کرد، به معرفت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام به شایستگی دست پیدا کرده است. این

۱. فرات کوفی، تفسیرفات، ص ۵۸۱؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۶۵ و جزائری، ریاض‌الأبرار، ج ۱، ص ۳۴.

بحث را کنار می‌گذاریم؛ اما می‌خواهم از نکته‌ای در این حدیث شریف، استفاده کنم. امام صادق علیه السلام [در تفسیر آیه‌ی مبارکه‌ی] **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ**^۲، فرمودند: **لَيْلَةُ فَاطِمَةَ علیها السلام** است؛ اکنون سوره را ادامه می‌دهیم: **لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ؛ تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ؛ سَلَامٌ هِيَ**^۳. فرمود: تو چه می‌دانی؟! چه کسی تو را آگاه کرده؟! چه کسی می‌تواند به تو خبر دهد که لیلۃ‌القدر چیست؟! لیلۃ‌القدر از هزار ماه، برتر است. (به تأویلات عرفانی این عبارت‌ها، باید حتماً مراجعه کنید، بحث مفصلی است که امروز دیگر فرصت نیست برایتان بگویم که مقصود از این هزار ماه، در عالم خلقت و در هستی چیست؟! بعد فرمود: **تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحُ فِيهَا**: در این لیلۃ‌القدر، در این لیلۃ، در این شب، ملائکه و روح به تدریج نازل می‌شوند. حال این لیلۃ چیست؟ **سَلَامٌ هِيَ**. این **هِيَ**، اشاره به لیلۃ است، این لیلۃ، سلام است. امام صادق علیه السلام فرمودند: **الْأَلَيْلَةُ فَاطِمَةُ**: لیلۃ، فاطمه علیها السلام است. پس **سَلَامٌ هِيَ**؛ یعنی **سَلَامٌ فَاطِمَةُ**؛ یعنی فاطمه علیها السلام، سلام است.

همانطور که می‌دانید، سلام اسمِ حقّ متعال است. قرآن کریم، در بیان اسماء‌الله، وقتی که نام‌های بزرگ خدا را در سوره‌ی حشر برمی‌شمارد، در آیه‌ای این‌گونه می‌فرماید: **هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ**^۴. پس سلام، یکی از نام‌های خدای متعال است. پس سلام چیست؟ خداست؛ سلام، خدای متعال است. به نصّ آیه‌ی بیست‌وسه‌ی سوره‌ی حشر در قرآن کریم. خدای متعال سلام است. سلام، اسمِ حقّ متعال است. تعین این اسم، در عالم وجود، به تمام معنا، وجود مقدّس صدّیقه‌ی طاهره، فاطمه‌ی زهرا علیها السلام است؛ فاطمه‌ی زهرا علیها السلام، اسم‌الله است؛ تعین

۲. سوره‌ی قدر، آیه‌ی ۱.

۳. سوره‌ی قدر، آیات ۲ - ۵.

۴. سوره‌ی حشر، آیه‌ی ۲۳.

سلام است؛ **سَلَامٌ هِيَ**. همه‌ی هستی، میوه‌ی حقیقت سلام است؛ درواقع، سلام در همه‌ی هستی، جاری است؛ به تعبیری دیگر همه‌ی هستی، جاری است به سلام.

سلام در مورد ذات مقدّس حقّ متعال به چه معنا به کار رفته است؟ سلام، به یک اعتبار به معنای سلامت است. سلام بودن خدا در این معنا، یعنی خدای متعال از هر عیب و نقصی مبرا است؛ سالم است؛ هیچ عیب و هیچ نقصی ندارد. این به یک معنا.

به معنای دیگر هم، در صفات و افعال او، هیچ شرّ و نقصی راه ندارد. خدا سالم است از هر عیب و نقصی و سلامت‌دهنده هم هست به خلقش؛ یعنی هر موجودی را که آفریده، بی‌عیب و نقص آفریده است؛ **الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ**^۵ هر موجودی را که آفریده، به نیکوترین صورت ایجاد کرده است؛ لذا خدای متعال، سلام است.

انسان می‌تواند مظهر این اسم شود؛ به همان مرتبه‌ای که از سلامت در مراتب مختلف وجودی خودش برخوردار است، می‌تواند مظهري از اسم سلام حقّ متعال شود. شما می‌دانید، سلامت و طهارت، در مراتب وجودی ما، تجلیات مختلفی دارد. وقتی می‌گوییم چیزی طاهر است، به چه معناست؟ به معنای این است که [آن چیز] نجس نیست؛ یعنی کثیفی [و آلودگی] به آن نیست، نجاستی هم به آن نیست، این جسم در ظاهر، طاهر است. لذا شیء متنجّس را می‌شود آب کشید، تطهیر کرد. ظاهرش طاهر می‌شود. مثلاً دست انسان متنجّس شده، آن را زیر آب می‌گیرد، دست پاک می‌شود. این طهارت، طهارتِ ظاهری است.

در مرتبه‌ی دوم، طهارت انسان از معصیت است، از گناه، از آلودگی‌ها، از تبهکاری‌ها، از فسادها و این مرتبه‌ی دوم سلامت و طهارت انسان است.

۵. سوره‌ی سجده، آیه‌ی ۷.

مرتبه‌ی سوم طهارت انسان، طهارت نفس از اخلاق ذمیمه است، از صفات و خلقیات ناستوده و نکوهیده.

و مرتبه‌ی چهارم، طهارت سرّ انسان از غیر حضرت حق است. پس وقتی که انسان می‌خواهد مظهر سلامت حضرت حق شود، مظهر اسم سلام خدای متعال شود، لازمه‌اش این است که در همه‌ی مراتب وجودی‌اش، این سلامت حاکم بشود. البتّه در مورد خلق، سلام به معنای تسلیم هم هست؛ به معنای کسی که فرمان بر مطلق حقّ متعال است؛ تسلیم مطلق حقّ متعال است.

سَلِمَ، به معنی صلح هم هست؛ کسی که با خدا از در صلح، درآمده؛ با خدا، صلح کرده است. گفت:

شکر لله که میان من و او صلح افتاد قدسیان رقص کنان، ساغر مستانه
زدند

این‌که انسان، با خدای خودش آشتی کند، صلح کند. بسیاری از ماها دائم داریم با خدا می‌جنگیم. درست است زورمان به خدا نمی‌رسد؛ اما دست از مقابله‌ی با خدا هم برنداشته‌ایم؛ تسلیم مشیت حضرت حق نشده‌ایم. به آنچه خدا برای ما بریده، تن نداده‌ایم؛ اما کسی که با خدا صلح کند، به این معنای سلام متحقّق شده است. **مَنْ أَصْلَحَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ**؛ کسی که بین خودش و خدا را اصلاح کند، صلح و سلم را میان خودش و خدا حاکم کند، او به نقطه‌های بسیار بلندی راه دارد. خواستم بدانیم سلام، در رابطه با خدای متعال و در رابطه با مخلوق، در واژه‌نامه‌ها به چه معناست. حال که دانستیم وجود مقدّس صدیق‌ه‌ی طاهره عليها السلام، مظهر حقیقت سلام است، می‌خواهیم در قرآن، در آیات سلام تأملی کنیم. من آیات قرآن را سریع مرور کرده‌ام، و حالا باهم [آنها را] می‌خوانیم و با معنای جدیدی که از سلام آموختیم، روی این آیات، تأمل کوتاهی می‌کنیم.

۶. سیدرضی، نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۸۶؛ کلینی، کافی، ج ۸، ص ۳۰۷ و صدوق، من‌لایحضره‌الفقیه، ج ۴، ص ۳۹۶.

قرآن کریم می‌فرماید: **يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ**:^۷ خدای متعال با کتاب، که حالا این کتاب به یک معنا، قرآن کریم است؛ و بهی ک معنای عمیق‌تر، وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیه السلام است؛ فرمود: به وسیله‌ی کتاب، خدای متعال هدایت می‌کند، کسی را که تبعیت از رضایت حضرت حقّ کند؛ پیرو رضایت خدا باشد، نه پیرو رضایت خاطر خودش، نه پیرو رضایت خاطر مردم؛ ببیند خدا چه دوست دارد، خدا چه می‌پسندد؛ خدای متعال کسی که این‌گونه باشد را به چه هدایت می‌کند؟ **سُبُلَ السَّلَامِ**. حالا سلام یعنی صدیقه‌ی طاهره علیه السلام؛ یعنی راه‌های رسیدن به فاطمه‌ی زهرا علیه السلام را به او نشان می‌دهد؛ گاهی هدایت، هدایت ارائه‌ی طریق است؛ یعنی راه را به او نشان می‌دهد. گاهی هم هدایت، به معنای ایصال الی المطلوب است؛ یعنی دستش را می‌گیرد و او را در راه فاطمه‌ی زهرا علیه السلام، صدیقه‌ی کبری علیه السلام می‌برد؛ **يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ**.

در سوره‌ی یونس فرمود: **وَ اللَّهُ يَدْعُوا إِلَى دَارِ السَّلَامِ**: خدای متعال دعوت می‌کند. به کجا؟ به خانه‌ی سلام؛ یعنی خدای متعال همه‌ی آفرینش را دعوت می‌کند به خانه‌ی فاطمه‌ی زهرا علیه السلام. **وَ اللَّهُ يَدْعُوا إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ**:^۸ و هر کسی را هم که می‌خواهد به صراط مستقیم هدایت می‌کند. صراط مستقیم چیست؟ کیست؟ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: **أَنَا الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ**.^۹ این آیه چه قدر روشن است! پس خدا اصلاً کارش چیست؟! این است که مردم را به خانه‌ی فاطمه‌ی زهرا علیه السلام دعوت و راهنمایی کند و آنها را به امیرالمؤمنین علیه السلام برساند. **وَ اللَّهُ يَدْعُوا إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ**.

۷. سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۱۶.

۸. سوره‌ی یونس، آیه‌ی ۲۵.

۹. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۵؛ مفید، تصحیح اعتقادات الامامیه، ص ۱۰۸ و نعمانی، غیبت، ص ۱۶۵.

همچنین در سوره‌ی انعام می‌فرماید: (البته من بخش میانی آیه را نمی‌خوانم) **فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ:** هرکس خدای متعال اراده کند که او را هدایت کند، **يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ:**^{۱۰} سینه‌ی او را باز می‌کند؛ به او شرح صدر می‌دهد؛ ظرفیت می‌دهد برای اسلام. در ادامه خواهیم گفت که اسلام هم در واقع چیزی نیست جز راه بردن به سلام. پس سینه‌ی او را باز می‌کند، به او ظرفیتی می‌دهد برای این که به حقیقت سلام، راه پیدا کند. بعد فرمود: **وَ هَذَا صِرَاطٌ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا:**^{۱۱} و این راه مستقیم پروردگار توست. این عبارت هم به امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره می‌کند؛ پس، هرکس را خدا بخواهد هدایت کند، هم ظرفیت درک حقیقت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام را در او ایجاد می‌کند. به او شرح صدر می‌دهد، تا در حدّ ظرف وجودی خودش، با حقیقت فاطمی مرتبط شود، و هم امیرالمؤمنین علیه السلام را به او نشان می‌دهد؛ می‌گوید: **وَ هَذَا صِرَاطٌ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا:** او را به خانه‌ی فاطمه‌ی زهرا علیها السلام می‌برد و امیرالمؤمنین علیه السلام را به او نشان می‌دهد. آنگاه فرمود: **لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ:**^{۱۲} آنان که اینگونه هستند، دارالسلام، در نزد پروردگارشان از آن آن‌هاست؛ یعنی آن‌ها مهمان خانه‌ی زهرا علیها السلام هستند؛ در **عِنْدَ رَبِّ!** پس این که می‌گویند شهدا **عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ:**^{۱۳} یا آنجا که آسیه‌ی بنت مُزاحِم، همسر فرعون، گفت: **رَبِّ اِنَّ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ:**^{۱۴} یعنی مقام عنداللهی، معلوم شد کجاست؛ مقام عنداللهی همان خانه‌ی فاطمه‌ی زهرا علیها السلام است. **لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ:** در **عِنْدَ رَبِّ!** نعمت خانه‌ی فاطمه علیها السلام نصیب‌شان می‌شود. **وَ هُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ:**^{۱۵} و به پاداش آن چه عمل می‌کنند، خدا ولیّ، صاحب‌اختیار، مدیر، زمام‌دار و

۱۰. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۱۲۵.

۱۱. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۱۲۶.

۱۲. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۱۲۷.

۱۳. سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۱۶۹.

۱۴. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۱۱.

۱۵. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۱۲۷.

سررشته‌دار امور آن‌هاست؛ یا این‌که اصلاً ولایت فعل آن‌ها در دست حضرت حق است؛ یعنی هر عملی که می‌کنند، آن کسی که عمل‌کننده‌ی واقعی است، خداست؛ ربّشان است. خواه ربّ را، ربّ مطلق بگیریم و بگیریم خدا؛ خواه ربّ مضاف بگیریم و بگیریم امیرالمؤمنین علیه السلام. در آن‌چه می‌کنند، ربّشان اوست. **وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ**: اوست که دارد عمل می‌کند، ولو به دست این‌ها جاری می‌شود؛ سررشته‌دار فعل این‌ها اوست

در سوره‌ی آل‌عمران فرمود: **إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ**.^{۱۶} گفتیم اسلام چیست؟ اسلام با سلام، آشنا و مرتبط شدن است؛ اسلام، با فاطمه‌ی زهرا علیها السلام ارتباط برقرار کردن است؛ معرفت پیدا کردن و ربط پیدا کردن با فاطمه‌ی زهرا علیها السلام است. فرمود: **إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ**: دین نزد خدا، فقط اسلام است. پس هرکه با فاطمه علیها السلام مرتبط شد، او دین دارد؛ هرکه با فاطمه علیها السلام مرتبط نشد، هزاری نماز و روزه و حج و جهاد داشته باشد، دین ندارد؛ **إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ**.

در همین سوره فرمود: **وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ**.^{۱۷} هرکس غیر از اسلام، دینی برگزیند، هرگز از او پذیرفته نخواهد شد. پس کسی که جز از طریق خانه‌ی فاطمه‌ی زهرا علیها السلام حرکت کرد، هرچه عبادت کرد، هرچه طاعت به‌جا آورد، هرچه از معاصی پرهیز کرد، هرچه کرد، به او سودی نمی‌بخشد.

در سوره‌ی مائده، در همان آیاتی که در ماجرای غدیر نازل شد، فرمود: **وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا**.^{۱۸} دینی که من پسندیدم، راضی شدم، خرسندم به این‌که شما، آن دین را داشته باشید، چیست؟ اسلام است؛ وصل شدن با حقیقت سلام؛ با حقیقت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام است.

۱۶. سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۱۹.

۱۷. سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۸۵.

۱۸. سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۳.

انبیای الهی، همه‌شان از صدیقه‌ی طاهره علیها السلام مدد و بهره گرفتند؛ هرچه دارایی دارند، عطایایی است که فاطمه علیها السلام به آن‌ها داده و از رهگذر ارتباط با حقیقت فاطمی در هستی، نصیب‌شان شده است. بعضی از آیات قرآن را که ناظر بر این حقیقت است برایتان شرح می‌دهم.

در سوره‌ی یوسف، حضرت یوسف علیه السلام به خدای متعال عرضه می‌دارد: **فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ**.^{۱۹} اولاً می‌دانید نام فاطر، قرین با چیست؟ با نام فاطمه علیها السلام. در آن کلماتی که حضرت آدم علیه السلام از پروردگارش دریافت کرد: **فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ**^{۲۰} و براساس آن، توبه‌اش پذیرفته شد، سوگند به این انوار خمسه‌ی طیبه است. در مورد حضرت زهرا علیها السلام [آن کلمه] چیست؟ **يَا فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ**^{۲۱} **يَا فَاطِرَ** **بِحَقِّ فَاطِمَةَ**.^{۲۲} پس تجلی فاطر در هستی، وجود مقدس صدیقه‌ی طاهره علیها السلام است. حالا ببینید حضرت یوسف علیه السلام چه دارد می‌گوید؟! او می‌گوید: **فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ**: ای فاطر سماوات و ارض، در دنیا و آخرت، تو ولی من هستی. **تَوَفَّنِي مُسْلِمًا**: من را مسلم بمیران؛ یعنی ارتباط من با حقیقت فاطمی قطع نشود؛ **تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَ الْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ**:^{۲۳} و من را به صالحان، به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام ملحق کن.

۱۹. سوره‌ی یوسف، آیه‌ی ۱۰۱.

۲۰. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۳۷.

۲۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۱، ص ۲۷۴؛ سیدبن طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۱، ص ۳۵۱ و کفعمی، بلدالامین، ص ۳۵۷.

۲۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۴۵؛ جزائری، ریاض‌الأبرار، ج ۱، ص ۱۷۴ و بحرانی‌اصفهانی، عوالم‌العلوم، ص ۱۰۴.

۲۳. سوره‌ی یوسف، آیه‌ی ۱۰۱.

در سوره‌ی بقره؛ خدای متعال، صَلَای عام داده؛ فرمود: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا: ائى مؤمنان! اُدْخُلُوا فِى السَّلْمِ كَافَّةً:**^{۲۴} همه‌تان دسته‌جمعی، بی‌استثناء، بیایید و وارد این نور فاطمی بشوید، وارد این حقیقت صدیقه‌ی طاهره عَلَيْهَا بشوید؛ **اُدْخُلُوا فِى السَّلْمِ كَافَّةً.**

در سوره‌ی آل عمران فرمود: **فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا:**^{۲۵} اگر با حقیقت سلام، مرتبط شدند، حقیقت سلام را پذیرفتند، هدایت شدند و الاً، فلا؛ **فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا.**

حال، این‌که گفتم همه‌ی انبیای عظام هرچه دارند، از عطایای فاطمی به آنهاست: خدای متعال در سوره‌ی آل عمران فرمود: **مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا: ابراهیم عَلَيْهِ، نه یهودی بود، نه نصرانی بود، نه مسیحی بود؛ وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا:**^{۲۶} ابراهیم عَلَيْهِ خالص فاطمی بود؛ هرچه داشت، از وجود مقدس صدیقه‌ی طاهره عَلَيْهَا داشت.

یادتان هست وقتی‌که آن ملائکه آمدند تا قوم لوط را به امر الهی عذاب کنند، سر راه، مهمان ابراهیم خلیل عَلَيْهِ شدند؛ حالا قرآن می‌گوید که در این ملاقات، اسم رمزی که آن‌ها باهم ردّ و بدل کردند، و با آن اسم رمز، همدیگر را شناسایی کردند، چه بود. در سوره ذاریات فرمود: **إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ:**^{۲۷} وقتی‌که آن ملائکه بر ابراهیم عَلَيْهِ وارد شدند، **قَالُوا سَلَامًا.** گفتند: فاطمه عَلَيْهَا؛ اسم رمز را گفتند. **قَالَ سَلَامٌ:** حضرت ابراهیم عَلَيْهِ هم گفت: **سَلَامٌ.** او هم اسم رمز را گفت. نام مقدس صدیقه‌ی طاهره عَلَيْهَا، اسم رمز دستگاه الوهیت است.

۲۴. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۰۸.

۲۵. سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۲۰.

۲۶. سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۶۷.

۲۷. سوره‌ی ذاریات، آیه‌ی ۲۵.

آیهی پنجاه و دوم سورهی حجر هم همین [حقیقت] را می گوید: **إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا**:^{۲۸} هنگامی که ملائکه بر ابراهیم علیه السلام وارد شدند و گفتند: **سَلَامًا**.

همچنین آیهی شصت و نهم سورهی هود همین حقیقت را گفت. فرمود: **وَ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلَنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ**:^{۲۹} هنگامی که فرستادگان ما، آن ملائک همراه با بشارت نزد ابراهیم آمدند؛ چون می دانید در آن جا بشارت تولّد اسحاق علیه السلام را به ابراهیم علیه السلام دادند؛ هنگامی که فرستادگان ما همراه با بشارت نزد ابراهیم علیه السلام آمدند و برای ابراهیم علیه السلام بشارتی آوردند، **قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ**. ببینید در دستگاه الوهیت، هر کس بخواد به عالم قدس راه پیدا کند، [بداند اسم رمز حضرت زهراست]. نظامی ها اسم شب دارند؛ نظامی ها این [قانون] را می دانند؛ از یک ساعتی به بعد که خاموشی می زنند، دیگر کسی حق ندارد وارد پادگان شود، یا در فضاهای عمومی پادگان رفت و آمد کند، مگر این که اسم شب را بلد باشد. اگر اسم شب را بلد باشد، هر جا برود، راه برایش باز است. اگر اسم شب را بلد نباشد، به او تیراندازی می کنند، جلوی او را می گیرند.

در دستگاه حضرت الوهیت و دستگاه حضرت احدیت، اسم رمز، اسم شب، اسم مقدّس صدّیقه‌ی طاهره علیها السلام است؛ لذا با این اسم، همدیگر را شناسایی می کنند؛ **قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ**.

اگر ابراهیم خلیل علیه السلام، در آتش نمرودی نسوخت، علّت چه بود؟! حالا برایتان باز می گویم. می دانید وقتی ابراهیم علیه السلام را در داخل آتش انداختند، خدای متعال می فرماید: **قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ**:^{۳۰} نام فاطمه علیها السلام، آتش را سرد می کند؛ لذا پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: به این علّت نام فاطمه علیها السلام،

۲۸. سورهی حجر، آیهی ۵۲.

۲۹. سورهی هود، آیهی ۶۹.

۳۰. سورهی انبیاء، آیهی ۶۹.

فاطمه علیها السلام نهاده شده، که **فَطِمَتْ هِيَ وَ شَبَعَتْهَا عَنِ النَّارِ**:^{۳۱} به این دلیل به فاطمه، فاطمه می‌گویند که فاطمه علیها السلام و شیعیان حضرت، از آتش قطع شده‌اند؛ آتش به آن‌ها نمی‌رسد. حضرت ابراهیم علیه السلام با حقیقت فاطمی مرتبط بود، لذا در آتش نسوخت. در ماجرای ستاره و ماه و خورشید، وقتی که ابراهیم خلیل علیه السلام به همه‌ی آن‌ها پشت کرد، چه گفت؟ گفت: **إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ**.^{۳۲} ببینید باز هم با حقیقت فاطر دارد ارتباط برقرار می‌کند؛ رویش را به سمت **فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ** برمی‌گرداند. در عالم تعین، تعین حقیقت فاطر، وجود مقدس صدیقه‌ی طاهره علیها السلام است. فقط هم ابراهیم خلیل علیه السلام نیست؛ همه‌ی انبیا. در سوره‌ی مریم عیسی علیه السلام می‌فرماید: **وَ السَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَ يَوْمَ أَمُوتُ وَ يَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا**:^{۳۳} هم در روز تولدم، هرچه داشتم را از حقیقت فاطمی گرفتم؛ هم روزی که می‌میرم، با فاطمه علیها السلام می‌میرم. با فاطمه علیها السلام متولد شدم؛ با فاطمه علیها السلام می‌میرم و با فاطمه علیها السلام مبعوث می‌شوم؛ **وَ السَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَ يَوْمَ أَمُوتُ وَ يَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا**.

شبهه همین تعبیر را، آیه‌ی پانزدهم سوره‌ی مریم، از یحیی بن زکریا علیه السلام نقل می‌کند. در این آیه، خود قرآن می‌گوید. خدای متعال می‌فرماید: **سَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ يَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا**:^{۳۴} هم در روزی که متولد شد، سلام با او بود؛ سلام، مدد رسان او بود؛ سلام، دستگیر او بود؛ هم، روزی که می‌میرد و هم روزی که زنده برانگیخته می‌شود.

۳۱. صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۷۹؛ ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۳، ص ۳۳۰ و فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۳۲۲.

۳۲. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۷۹.

۳۳. سوره‌ی مریم، آیه‌ی ۳۳.

۳۴. سوره‌ی مریم، آیه‌ی ۱۵.

در سوره‌ی صافات، آیه‌ی هفتادونهم می‌فرماید: **سَلَامٌ عَلٰی نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ**.^{۳۵} این سلام است که **عَلٰی نُوحٍ** است. آیه‌ی صدونهم همین سوره می‌فرماید: **سَلَامٌ عَلٰی اِبْرَاهِيمَ**.^{۳۶} آیه‌ی صدویستم: **سَلَامٌ عَلٰی مُوسٰی وَ هَارُونَ**.^{۳۷} آیه‌ی صدوسی‌ام: **سَلَامٌ عَلٰی اِلْيَاسِينَ**.^{۳۸} قرائت دیگر این آیه، آلِ یاسین است.

پس همه‌ی انبیا و اولیا از سلام مدد گرفتند. در آیه‌ی صدوهشتادویکم، همه را جمع زد و فرمود: **سَلَامٌ عَلٰی الْمُرْسَلِينَ**.^{۳۹} همه‌ی رسولان از حقیقت فاطمی بهره گرفته‌اند؛ همه‌ی آن‌ها گدای فاطمه‌اند. در آیه‌ی پنجاهونهم سوره‌ی نمل نیز فرمود: **سَلَامٌ عَلٰی عِبَادِهِ الَّذِيْنَ اصْطَفٰی**.^{۴۰} آن بندگان مصطفای حضرت حق، آن بندگان برگزیده‌ی حضرت حق، حقیقت سلام به آن‌ها رسیده، که برگزیده‌ی حضرت حق‌اند.

اگر نوح نبی **عَلَيْهِ السَّلَام**، از آن طوفان عظیم نجات پیدا کرد، و کشتیش بر کوه جودی نشست، چه کسی آن کشتی را در آن غرقاب عظیم حفظ کرد؟! آیه‌ی چهل‌وهشتم سوره‌ی هود [پاسخ می‌دهد]: **قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا**.^{۴۱} به نوح **عَلَيْهِ السَّلَام** گفتیم: ای نوح! فرود بیا با سلامی از جانب ما. این فاطمه‌ی زهرا **عَلَيْهَا السَّلَام** بود که نوح **عَلَيْهِ السَّلَام** را از آن طوفان و غرقاب نجات داد.

آیه‌ی چهل‌وهفتم سوره‌ی طه فرمود: **وَ السَّلَامُ عَلٰی مَنْ اتَّبَعَ الْهُدٰى**.^{۴۲} هرکس از راه هدایت تبعیت کند، حقیقت فاطمه‌ی زهرا **عَلَيْهَا السَّلَام** دستگیر او می‌شود، راهبر او می‌شود، مدد رسان او می‌شود.

۳۵. سوره‌ی صافات، آیه‌ی ۷۹.

۳۶. سوره‌ی صافات، آیه‌ی ۱۰۹.

۳۷. سوره‌ی صافات، آیه‌ی ۱۲۰.

۳۸. سوره‌ی صافات، آیه‌ی ۱۳۰.

۳۹. سوره‌ی صافات، آیه‌ی ۱۸۱.

۴۰. سوره‌ی نمل، آیه‌ی ۵۹.

۴۱. سوره‌ی هود، آیه‌ی ۴۸.

۴۲. سوره‌ی طه، آیه‌ی ۴۷.

در سوره‌ی شعراء فرمود: **يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنُونَ؛ إِلَّا مَنْ آتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ**:^{۴۳} روزی که [یعنی] فردای قیامت نه ثروت و دارایی سود می‌بخشد، و نه فرزند و پسر فایده می‌بخشد؛ هیچ‌یک کاری از دست‌شان بر نمی‌آید؛ **إِلَّا مَنْ آتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ**: مگر کسی که با قلب سلیم به محضر ربوبی حاضر شود. قلب سلیم، قلبی است که محبت فاطمه علیها السلام در آن است؛ معرفت فاطمه علیها السلام در آن است؛ قلبی است که با حقیقت فاطمه علیها السلام مرتبط است؛ قلبی است که با نور فاطمه‌ی زهرا علیها السلام نورانیت پیدا کرده؛ قلبی است که نور فاطمه علیها السلام در آن تابیده و ظلمت هرچه غیر خداست را از آن پاک کرده است؛ لذا امام‌صادق علیه السلام، ذیل همین آیه، فرمود: **الْقَلْبُ السَّلِيمُ الَّذِي يَلْقَى رَبَّهُ وَ لَيْسَ فِيهِ أَحَدٌ سِوَاهُ**:^{۴۴} قلب سلیم، قلبی است که ربّ خودش را ملاقات می‌کند، درحالی‌که احدی غیر خدا در آن قلب نیست. همانطور که گفتیم، این ربّ، هم ربّ مطلق می‌تواند باشد، هم ربّ مضاف.

همچنین در سوره‌ی صافات فرمود **وَ إِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ؛ إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ**:^{۴۵} هرآینه از شیعیان او، ابراهیم است. مرجع ضمیر در شیعیان او، با توجه به ظاهر آیه، نوح نبی علیه السلام و براساس باطن آیه، وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیه السلام است. **إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ**: هنگامی که ابراهیم علیه السلام به محضر پروردگارش راه یافت، با قلب سلیم، با قلبی که با سلام مرتبط بود، با حقیقت فاطمی مرتبط بود.

همچنین آیه‌ی چهل‌وششم سوره‌ی اعراف می‌فرماید: **وَ عَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ**:^{۴۶} همانطور که می‌دانید، فردای قیامت، ما یک بهشت داریم، یک دوزخ داریم و یک اعراف. حالا قرآن کریم می‌گوید رجالی در آن اعراف هستند که هر که را می‌بینند، با سیمای او، او را می‌شناسند؛ هم

۴۳. سوره‌ی شعراء، آیه‌های ۸۸ و ۸۹.

۴۴. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۶؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۳۹ و قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۲۳.

۴۵. سوره‌ی صافات، آیه‌های ۸۳ و ۸۴.

۴۶. سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۴۶.

بهشتی‌ها را می‌شناسند، هم دوزخی‌ها را؛ **وَ عَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ**. مقصود از این رجال، بنابه روایاتی، امیرالمؤمنین علیه السلام هستند که در آعراف می‌ایستند، در حالی که مشرف بر بهشت و دوزخ هستند و همه را می‌شناسند. **وَ نَادُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ**: رجالی که در آعرافند، به بهشتیان ندا می‌دهند. چه می‌گویند؟ **أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ**: به بهشتیان می‌گویند: سلام بر شما! حقیقت فاطمه علیها السلام متوجه شما باد!

همچنین وقتی بهشتیان می‌خواهند وارد بهشت شوند، **قَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ**:^{۴۷} خزانهداران بهشت می‌گویند: سلام بر شما! یعنی شما دارید می‌روید نزدیک فاطمه‌ی زهرا علیها السلام؛ مهمان فاطمه علیها السلام می‌شوید. **طِبْتُمْ!** یعنی به شجره‌ی طوبی طوبی نزدیک می‌شوید، که می‌دانید بنابه روایات، شجره‌ی طوبی در خانه‌ی فاطمه‌ی زهرا علیها السلام است؛ و از آن شاخه‌هایی بیرون آمده که در خانه‌ی هر شیعه شاخه‌ای [از آن] هست و هر میوه‌ای که آن شیعه می‌خواهد، از همان شاخه می‌تواند بچیند. ان‌شاءالله این شجره‌ی طوبی را ببینید؛ آن شاخه‌ی محبت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام را که در قلب شما، در خانه‌ی دل شما آمده؛ و همه‌ی میوه‌های معارف و حقایق را می‌شود از آن چید. **قَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ**: یعنی دم در ورودی بهشت، به انسان می‌گویند: آگاه باش که داری وارد خانه‌ی فاطمه‌ی زهرا علیها السلام می‌شوی. و بدانید! بدون نام فاطمه علیها السلام، احدی را به بهشت راه نمی‌دهند. این سلام، اسم رمز است. تا این اسم رمز را نگویند، نمی‌توانید وارد بهشت شوید. **قَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ**. با نام سلام است که می‌گویند: **فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ**.

نیز سوره‌ی حجر می‌گوید: **إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ عُيُونٍ؛ أَدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِينَ**.^{۴۸} یعنی نام فاطمه‌ی زهرا علیها السلام، اسم رمز ورود به بهشت است. درهای رمزی مثلاً درهای پارکینگ را دیده‌اید! از داخل

۴۷. سوره‌ی زمر، آیه‌ی ۷۳.

۴۸. سوره‌ی حجر، آیه‌های ۴۵ و ۴۶.

ماشین دکمه‌ای را می‌زنند، و در پارکینگ باز و بسته می‌شود. همین را به شکل صوتی هم می‌شود درآورد؛ [اینکه در] نسبت به صدا حساس باشد. این تلفن‌ها را دیده‌اید که نسبت به صدا حساس است؟ اسم کسی را می‌گویید، خودش شماره‌ی آن فرد را که قبلاً به حافظه‌اش سپرده‌اید، می‌گیرد. این‌ها سایه‌هایی است از آن حقایق عالم بالا. سایه‌ی آن حقایق در این عالم می‌افتد و این اختراعات و اکتشافات ظاهر می‌شود. آن‌جا اگر نام سلام را بگویید، در بهشت باز می‌شود. سلام، اسم رمز ورود به بهشت است. **إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ؛ أُدْخِلُوها بِسَلَامٍ آمِنِينَ:** متقین در بهشت‌ها هستند؛ در باغ‌های بهشتی، در کنار چشمه‌های بهشتی؛ اما ورود آن‌ها با این رمز است؛ به آن‌ها می‌گویند: **أُدْخِلُوها بِسَلَامٍ:** اگر می‌خواهید وارد بهشت شوید، باید با فاطمه علیها السلام وارد شوید. راه دیگری برای ورود به بهشت نیست. آیه‌ی سی‌وچهارم سوره‌ی قاف هم همین را می‌گوید؛ **أُدْخِلُوها بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمَ الْخُلُودِ:**^{۴۹} با نام فاطمه علیها السلام وارد بهشت شوید و آن‌روز، روز جاودانگی‌ست.

در سوره‌ی رعد نیز می‌فرماید: **وَ الْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ:**^{۵۰} بهشتی‌ها به بهشت می‌روند و هر روز ملائکه [به آنها] سر می‌زنند؛ [برای] دید و بازدید نزد اهل بهشت می‌آیند. آنها از هر دری وارد می‌شوند؛ **وَ الْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ:** از هر دری بر بهشتی‌ها وارد می‌شوند. ملائکه [وقتی وارد شدند،] به بهشتی‌ها چه می‌گویند؟ **سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَبِعَمِّ عَقِيبِي الدَّارِ:**^{۵۱} یعنی باز آن‌ها را به حقیقت فاطمی متوجه، و با حقیقت فاطمه علیها السلام آشنا می‌کنند؛ در قبال صبر و پایداری که در این عالم به خرج داده‌اند، آن‌جا با عطایای فاطمی پذیرایی می‌شوند.

۴۹. سوره‌ی قاف، آیه‌ی ۳۴.

۵۰. سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۲۳.

۵۱. سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۲۴.

نه [فقط] ملائکه، [که] خدای متعال هم با همین اسم رمز، با بهشتیان سخن می‌گوید. آیه‌ی پنجاه‌وهشتم سوره‌ی یاسین می‌فرماید: **سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ**^{۵۲} سلامی که سخنی است از ربِّ رحیم. ربِّ رحیم را می‌توانید ربِّ مطلق بگیرید؛ [یعنی ذات مقدّس احدیت؛ یا ربِّ مضاف؛ [یعنی] صاحب‌خانه‌ی بهشت، امیرالمؤمنین علیه‌السلام؛ چون بهشت خانه‌ی فاطمه‌ی زهرا علیها‌السلام و امیرالمؤمنین علیه‌السلام است؛ جای دیگری نیست. و خدا هم با همین اسم رمز حرف می‌زند؛ به بنده‌هایش می‌گوید: **سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ**.

بهشتیان هم [وقتی] در بهشت به هم می‌رسند، چه می‌گویند؟! آیه‌ی چهل‌وچهارم سوره‌ی احزاب [پاسخ می‌دهد]: **تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ**^{۵۳} همان‌طور که مؤمنین در دنیا با همین اسم رمز با هم ملاقات می‌کنند، [تحتّی آنان در روزی که خدا را ملاقات می‌کنند نیز سلام است]. قدر بدانید که وقتی ما به هم می‌رسیم، می‌گوییم سلام. همان اسم رمز که در بهشت، ردّ و بدل می‌شود را داریم تکرار می‌کنیم. می‌گوید: تحتّی آن‌ها، روزی که به دیدار او می‌روند، سلام است.

آیه‌ی دهم سوره‌ی یونس، در مورد کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند و در بهشت هستند، می‌گوید: **دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ**^{۵۴} همچنین آیه‌ی بیست‌وسوم سوره‌ی ابراهیم می‌فرماید: **خَالِدِينَ فِيهَا يَأْتِينَ رَبَّهُمْ**^{۵۵} این‌ها به اذن پروردگارشان جاودانه در بهشت خواهند ماند؛ **تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ**؛ یعنی همدیگر را که می‌بینند، یاد فاطمه علیها‌السلام می‌کنند؛ یاد صدّیقه‌ی طاهره علیها‌السلام

۵۲. سوره‌ی یس، آیه‌ی ۵۸.

۵۳. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۴۴.

۵۴. سوره‌ی یونس، آیه‌ی ۱۰.

۵۵. سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۲۳.

می‌کنند. پس قدر بدانید آن حقیقت بهشتی را که در همین عالم نصیب شده؛ که وقتی اهل محبت و اهل ولایت به هم می‌رسند، یاد فاطمه‌ی زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ می‌کنند.

همچنین آیه‌ی هفتادوپنجم سوره‌ی فرقان فرمود: **وَ يُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَ سَلَامًا.**^{۵۶} آیه‌ی شصت‌ودوم سوره‌ی مریم فرمود: **لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا:**^{۵۷} هیچ سخن بیهوده‌ای نمی‌شنوند؛ آن چیزی که می‌شنوند، [فقط] سلام است؛ یعنی همه‌ی بهشتیان یا فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ، یا فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ می‌گویند؛ یعنی همین چیزی که در دنیا در مجالس اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ هست، پرده از روی آن برداشته می‌شود. آن وقت حقیقت بهشت را می‌بینیم.

یا آیه‌ی بیست‌وششم سوره‌ی واقعه فرمود: **لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَ لَا تَأْتِيَمًا؛ إِلَّا قِيلاً سَلَامًا:**^{۵۸} این‌ها در بهشت، نه سخن بیهوده‌ای می‌شنوند و نه سخن گناه‌آلودی. تنها صدایی که می‌شنوند، یا فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ، یا فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ است.

سوره‌ی واقعه می‌گوید: اصحاب‌الیمین که مؤمنین متوسطند، وقتی وارد بهشت می‌شوند، خدمت رسول‌الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌رسند. به پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ که می‌رسند، چه می‌گویند؟ می‌گویند: سلام! قرآن می‌گوید: **فَسَلَامٌ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ:** از جانب اصحاب‌الیمین، به توی رسول‌الله که از مقربین هستی، سلام. آیه‌ی قبل راجع به مقربین است: **فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ؛ فَرَوْحٌ وَ رِيحَانٌ وَ جَنَّةٌ نَعِيمٌ؛ وَ أَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ أَصْحَابِ الْيَمِينِ؛ فَسَلَامٌ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ؛**^{۵۹} یعنی وقتی در بهشت به محضر پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌رسند، نیز یاد فاطمه‌ی رسول‌الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌کنند.

۵۶. سوره‌ی فرقان، آیه‌ی ۷۵.

۵۷. سوره‌ی مریم، آیه‌ی ۶۲.

۵۸. سوره‌ی واقعه، آیات ۲۵ و ۲۶.

۵۹. سوره‌ی واقعه، آیات ۸۸ - ۹۱.

قدر این معرفت و شناخت را بیشتر بشناسیم؛ همین که خدا اذن داده نام ظاهری فاطمه‌ی زهرا علیها السلام به زبان ما جاری شود. از آن طرف هم مواظب باشیم! نکند کسی را که محبت حضرت زهرا علیها السلام در قلبش است، به حضرت زهرا علیها السلام ارادت می‌ورزد و نسبت به آن حضرت ابراز محبت و ارادت می‌کند، خدای ناکرده به خاطر مثلاً گناه و معصیتی که خواسته یا ناخواسته، باتوجه و بی‌توجه، به دستش جاری شده، طرد کنیم. نکند این‌طور باشد! پناه می‌بریم به خدای متعال؛ که ما به خاطر گناه و معصیتی که معلوم هم نیست چه بوده، اصلاً می‌دانسته معصیت است یا نه، به قصد معصیت بودن انجام داده یا نه، او را طرد کنیم؟ هزارویک راه وجود دارد که اصلاً و کلاً آن گناه را منتفی بدانیم؛ ولی حالا فرض کنید که اصلاً دانسته و با عمد، چنان کاری هم کرده باشد. آیا ما حق داریم دوست فاطمه‌ی زهرا علیها السلام را به خاطر گناه و معصیت برانیم و بگوییم تو از ربقه‌ی اسلام به دور و بیرونی؟! آیه‌ی نودوچهارم سوره‌ی نساء فرمود: **لَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا**.^{۶۰} وقتی کسی به شما می‌رسد که از سلام حرف می‌زند، از فاطمه علیها السلام سخن می‌گوید؛ می‌گوید: من عاشق فاطمه‌ام؛ من دل‌سپرده‌ی فاطمه‌ام؛ من مجنون فاطمه‌ام؛ نکند به خاطر چهار تا بی‌نظمی که در رفتارش بوده، یا معصیتی که از او سر زده، به او بگویید: **لَسْتَ مُؤْمِنًا**: تو مؤمن نیستی، تو شیعه نیستی، برو! نکند طردش کنید! **لَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا**.

براساس همین حقیقت است که خدای متعال، به پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم امر می‌کند که وقتی مؤمنین نزد آمدند، از فاطمه علیها السلام برایشان سخن بگو. **وَ إِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا**: ای پیامبر! وقتی کسانی که به آیات ما ایمان می‌آورند، به نزد تو آمدند، به آن‌ها چه بگو؟ **فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ**^{۶۱} لذا همه‌ی مؤمنین را امر به سلام کرد؛ حتی گفت اگر به جایی رفتید و در صورت ظاهر، هیچ‌کس هم آن‌جا نبود، [مثلاً] وارد

۶۰. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۹۴.

۶۱. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۵۴.

یک خانه‌ی خالی شدید، سلام کنید. حالا می‌فهمید دلیل آن چیست. والا [برای گفتن] سلامی که به معنای (Hello)، و درود و مانند اینهاست، باید کسی جلوی شخص باشد، تا او [با این واژه‌ها به او سلام] بگوید. اما چرا این آیه می‌گوید وقتی وارد خانه‌ای شدید، خواه کسی در آن باشد، خواه نباشد، سلام کنید، نام فاطمه ع.ا.س. را ببرید، بگذارید نام فاطمه ع.ا.س. آن‌جا را نورانی کند، در خانه‌هایتان نام فاطمه ع.ا.س. را ببرید؟ لذا خانه‌ای که شخصی به نام فاطمه در آن هست، دختری یا بانویی به نام فاطمه هست، خیلی مهم است. هر بار که او را صدا می‌زنند، خدا می‌داند آن خانه را چگونه ملائکه پر می‌کنند! چگونه پر از نور می‌شود! این اسم‌ها را قدر بدانیم. خدای ناکرده دچار برخی از غفلت‌ها نشویم. فریب برخی از نقشه‌های پلید دشمنان دین را نخوریم که اسم‌هایمان را از اسم اهل بیت ع.ا.س. به اسم‌های عجیب و غریبی برگردانیم که در قاموس هیچ فرهنگی از فرهنگ‌های دنیا، هیچ معنایی ندارد. این لیست‌های حضور و غیاب دانشگاه را من گاهی اوقات که کنترل می‌کردم، شاخ درمی‌آوردم. خدایا این [اسامی] چیست؟! وقتی از آن دانشجو هم می‌پرسیدم آیا تو معنای اسمت را می‌دانی؛ می‌گفت: نه استاد؛ [خودم هم] نمی‌دانم. بعضی [از اسامی] که بی‌معنا بود؛ بعضی دیگر هم معانی بسیار بدی داشت. مثلاً فتنه! کم هم نیست ماشاءالله! فتنه زیاد هم هست؛ عالم‌گیر شده است. گفت: **قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً**.^{۶۲} این اسم‌ها چیست که ما می‌گذاریم؟! فکر کرده‌ایم؟! یا بعضی اسم‌ها متعلق به چهره‌هایی است که از نظر ارزش‌های انسانی و الهی، بسیار پلید بوده‌اند و ما آن اسم‌ها را روی بچه‌هایمان می‌گذاریم. پناه‌به‌خدا؛ فردای قیامت، فرزندان برای این اسم‌هایی که بر آن‌ها گذاشته‌ایم، به مخاصمه‌ی ما برمی‌خیزند.

اسم‌ها در عالم آثار تکوینی دارد. حقایقی هست که نمی‌شود گفت. اسمی که روی فرد می‌گذارید، چیزهایی را در زندگی او رقم می‌زند، در وجود او، حتی در سرنوشت اخروی او. چندان نمی‌شود پرده

۶۲. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۹۳ و سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۳۹.

را بالا زد. لذا در اسم گذاشتن بسیار دقت کنیم. علی‌ای‌حال، احادیث زیادی داریم [با این مضمون] که وقتی نام فاطمه‌ی زهرا علیها السلام بر فرزندی نهاده شد، هر بار که او را در خانه صدا می‌زنند، خدا می‌داند ملائکه چه اقبالی به آن خانه می‌کنند و چگونه نور وجود این دختر، آن خانه را روشن می‌کند و مایه‌ی برکت آن خانه می‌شود! ^{۶۳}

البته توجه داشته باشیم که اگر اسم فرزندان را فاطمه گذاشتیم، در ادبی که نسبت به او مراعات می‌کنیم، خیلی دقت کنیم. [در روایتی آمده است که] فردی خدمت امام صادق علیه السلام رسید. امام علیه السلام [به او] فرمودند: چند وقتی نبودی؛ تو را نمی‌دیدیم. عرض کرد: خدا به ما دختری داد. حضرت علیه السلام فرمودند: مبارک است! نامش را چه گذاشتید؟ گفت: نامش را فاطمه گذاشتیم. حضرت علیه السلام فرمود: فاطمه، فاطمه، فاطمه... آن قدر حضرت علیه السلام [نام فاطمه را] تکرار کردند تا سرشان به زمین رسید و اشک، چشم‌های حضرت علیه السلام را پر کرد. بعد فرمودند: حال که اسمش را فاطمه گذاشته‌اید، نکند دعواش کنی! نکند سیلی به صورتش بزنی! ^{۶۴} لذا اگر خدا توفیق داد این اسم را روی فرزندان گذاشتیم، [ادب را] خیلی مراعات کنیم.

علی‌ای‌حال، عرض کردم؛ وقتی وارد خانه‌ای می‌شوید، در اتاق تنها هم که وارد شدید، بگویید: سلام. نام فاطمه علیها السلام را ببرید. فاطمه علیها السلام آن جا حضور دارد. فاطمه، اسمی است که با بُردنش، همه‌ی شیاطین و موجودات شریر فرار می‌کنند و ملائکه به آن جا روی می‌آورند؛ و آن جا پر از برکت و نور

۶۳. قالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام يَقُولُ لَا يَدْخُلُ الْفَقْرُ بَيْتًا فِيهِ اسْمُ مُحَمَّدٍ أَوْ أَحْمَدَ أَوْ عَلِيٍّ أَوْ الْحَسَنِ أَوْ الْحُسَيْنِ أَوْ جَعْفَرٍ أَوْ طَالِبٍ أَوْ عَبْدِ اللَّهِ أَوْ فَاطِمَةَ مِنَ النِّسَاءِ: كلینی، کافی، ج ۶؛ ص ۱۹؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۴۳۸ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۳۱.

۶۴. قالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله... أَمَا إِذَا سَمَّيْتَهَا فَاطِمَةَ فَلَا تَسْبِّهَا وَلَا تَلْعَنُهَا وَلَا تَضْرِبُهَا: كلینی، کافی، ج ۶، ص ۴۹؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۸، ص ۱۱۲ و حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۴۸۲.

می‌شود. فرمود: **فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ**:^{۶۵} وقتی وارد خانه‌هایی شدید، **فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ**: به خودتان [سلام کنید]؛ بخواهید آن حقیقت فاطمی متوجه شما شود. این تحیتی است از جانب خدا؛ این سلام موهبتی الهی است.

همچنین آیهی بیست‌وهفتم سوره‌ی نور فرمود: **لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّىٰ تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا**:^{۶۶} وقتی بر خانه‌ی دیگری هم وارد شدید، با اُنس و محبت وارد شوید و بر اهل آن خانه سلام کنید.

دسته‌ای از آیات را برایتان یادداشت کرده بودم تا ببینیم این حقیقت سلام که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ [درباره‌ی آن] فرمود: **اللَّيْلَةُ فَاطِمَةُ**، و راجع به به این ليله، قرآن کریم فرمود: **سَلَامٌ هِيَ**، این سلام، در هستی چه می‌کند و این واژه که شریعت ختمی، دین پیامبرخاتم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، آن را به‌عنوان واژه‌ی تحیت و درود قرار داد، چه واژه‌ی مقدس و عظیمی است! در زبان‌های مختلف [افراد] به هم که می‌رسند، بالاخره به‌نحوی به هم تحیت می‌گویند؛ اما خدا می‌داند واژه‌ی سلام چیست و چه برکات و آثاری دارد! به همین دلیل است که این‌همه تأکید شده که وقتی به هم رسیدید، سلام کنید؛ سبقت در سلام داشته باشید. سلام که می‌کنید، با صدای بلند سلام کنید. **أَفْشِ السَّلَامَ**:^{۶۷} فاش و آشکارا سلام کنید؛ یعنی با شجاعت، با شهامت و با قوت قلب، نام فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ را ببرید.

فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ، سلام است. آیا پیغمبراکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: **فَاطِمَةُ قُرَّةُ عَيْنِي**:^{۶۸} فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ، نور چشم من است؟ و چه‌قدر زیبا این [بیت] شعر [با روایت] تطبیق می‌کند!

۶۵. سوره‌ی نور، آیه‌ی ۶۱.

۶۶. سوره‌ی نور، آیه‌ی ۲۷.

۶۷. منسوب به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ، مصباح‌الشریعة، ص ۲۷؛ کلینی، کافی، ج ۴، ص ۵۷ و صدوق، خصال، ج ۱، ص ۱۸۱.

۶۸. صدوق، امالی، ص ۶۳۶؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۵۰۹ و فتال‌نیشابوری، روضة‌الواعظین، ج ۱، ص ۷۴.

سلامی چو بوی خوش آشنایی بدان مردم دیده‌ی روشنایی

فاطمه قُرَّة عَیْنی: فاطمه عَلِیْهَا السَّلَام نور دیده‌ی من است.

سَلَامُ اللَّهِ عَلَیْهَا.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ